

خصوصی سازی بدون دموکراسی؟

جهانگیر لقایی

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال رشد و همچنین کشور ما، خصوصی سازی یکی از مسائل مبرم شده و کارشناسان اقتصادی و اجتماعی بر روی این امر تأکید بسیار دارند. جای تردید نیست که توسعه و رشد اقتصادی زمانی تحقق و تداوم خواهد یافت که حداکثر ثروت و سرمایه جامعه متعلق به مردم - بخش خصوصی - باشد و نه دولت. و این هنگامی عملی خواهد شد که آزادی و مردم سالاری - دموکراسی - بر کشور حاکم باشد، در غیر این صورت امر خصوصی سازی در نخستین گامها خود به بن بست خواهد کشید.

اصولاً دولتمردان و حکومت گران گرایش به تمرکز قدرت دارند تا از آن بسود خود بهره جسته، بقای خود را تداوم بخشند، از همین رو در جامعه باید نهادهای مختلفی باشند تا هرگونه حرکتی را در این راستا سد نمایند.

آزادی احزاب و اتحادیه ها، آزادی مطبوعات و رسانه های خبری، آزادی اندیشه و بیان و غیره هنگامی در جامعه نهادینه شده و ریشه خواهند گرفت که حداکثر سرمایه و ثروت جامعه در دست مردم - بخش خصوصی - باشد.

تمرکز ثروت در دست دولت باعث تمرکز قدرت سیاسی می شود و تمرکز قدرت سیاسی یعنی استبداد و دیکتاتوری. طبیعی است که تمرکز قدرت سیاسی در تداوم حرکت خود نه تنها جلو رشد و توسعه اقتصادی را می گیرد بلکه انسداد اجتماعی را هم به وجود می آورد و سدی می شود در برابر شکوفایی استعدادها و خلاقیت ها، بهمین علت، جوامعی که تمام یا بیشترین سرمایه آن متعلق به دولت است، عقب مانده و فقیرند و فاصله آنها نسبت به کشورهای صاحب دموکراسی و پیشرفته بسیار زیاد می باشد و سال به سال هم بر بعد این فاصله افزوده می گردد. نمونه آن کشورهای سوسیالیستی سابق و سایر دیکتاتوریهایی موجود که بیش از هفتاد درصد سرمایه و ثروت جامعه متعلق به دولت بوده و هست.

در نظام های استبدادی و خودکامه - چه سوسیالیستی، چه مذهبی و چه نظامی - دولت ها نه تنها خود را پاسخگو در برابر ملت نمی دانند، بلکه به مردم به چشم مستضعفین و جیره خواران خود نگاه می کنند. تفکری که حاضر نیست آزادی و دموکراسی را به پذیرد و خود منشأ و عامل اصلی ضعف و عقب ماندگی است. این تفکر در واقع پس مانده دوران توحش است که خود کامگان صاحب جان و مال مردم بودند.

دموکراسی سیاسی و اقتصادی لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند. بدون مردم سالاری اقتصادی، دموکراسی سیاسی تخیل و سرابی بیش نیست، همچنین مردم سالاری اقتصادی بدون دموکراسی سیاسی سرابی است در کویر.

اینکه تاکنون دموکراسی در ایران نتوانسته است پای گرفته و نهادینه شود، مهم ترین علت آن تمرکز سرمایه و ثروت در دست دولت بوده است. تلاش مابایستی بر آن باشد که آزادی سرمایه از چنگال دولت به موازات و همگام با آزادی سیاسی صورت پذیرد. برای داشتن کشوری پیشرفته و مرفه یگانه راه همین است.

طبیعی است که سرمایه به جایی خواهد رفت که امنیت وجود داشته باشد. امنیت در جای وجود دارد که قانون حاکم باشد و قانون در جایی حکم فرماست که دموکراسی در آن حاکم است. از این رو تنها ضمانت پایدار، توسعه اقتصادی و پیشرفت، آزادی و مردم سالاریست.

بیانیه مشترک شماره ۲

۲۵ آبان ۱۳۸۳ خورشیدی

یکم آذر روز به خون پییدن لاله های گلگون میهن پروانه و داریوش فروهر

هم میهن!

خون های پروانه و داریوش فروهر شهدای سرافراز راه آزادی و سربلندی ملت ایران نشانه دلیلی استوار بر استمرار حاکمیت بریده از مردم و سند محکومت قطعی و همیشگی جمهوری اسلامی است.

یاد و راه آنان را گرامی می داریم و پاسداشت خون های بناحق ریخته آنان را تلاشی برای استقرار حاکمیت ملی و بهروری همه اقوام ایرانی از حقوق قومی و فرهنگی خود می دانیم و همگان را به شرکت هر چه باشکوه تر در مراسم یادبود آن عزیزان دعوت می نماییم.

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب پان ایرانیست

یادآوری

در برگ هفتم شماره ۲ نشریه «جبهه ملی خارج کشور» عنوانی داشتیم زیر نام «خودکشی یک جوان ایرانی»

پس از چاپ نشریه باخبر شدیم خوشبختانه کیانوش سنجری این جوان شجاع و با غیرت ایرانی در اثر تلاش پزشکان هموطن نجات یافته است.

ضمن خرسندی از این خبر، تردید نداریم جوانان ما از این پس خواهند کوشید بجای فداکردن جان خود، با همبستگی و فداکاری جمعی ملت ایران را از بلای استبدادی که ۲۵ سال است مردم را به خاک سیاه کشانده نجات دهند.

بسیاری از متخصصان ما را باور بر این است که مانع اصلی در راه خصوصی سازی ایران، وجود برخی از اصول قوانین اساسی است که چنانچه از سر راه برداشته شوند، مشکل حل خواهد شد، در صورتیکه نه تنها این قوانین مشکل ساز، حتی اگر قوانین بیشتری هم تغییر کند کار به جایی نخواهد رسید، همانگونه که تا کنون ترسیده است. قوانین بر اساس ساختار جامعه تدوین و تنظیم می شوند. مشکل اصلی ساختار نظام است که باید از بن تغییر یابد لازم به یادآوری است که چنانچه درصد زیادی از ثروت جامعه - بخش خصوصی - در انحصار چند شرکت بزرگ و فراملی قرار گیرد آزادی سیاسی و اقتصادی مردم جامعه به شکل دیگری خدشه دار خواهد شد که بحث در مورد آنرا به آینده موکول می کنیم. ♦